

شاخصه‌های روابط اجتماعی در خانواده متعالی از دیدگاه قرآن

اسماء پناهی^۱

چکیده

خانواده رکن اصلی اجتماع است و نقش تعیین کننده‌ای در پیشرفت و ترقی جامعه دارد. از جمله اهداف تشکیل خانواده می‌توان ایجاد آرامش، پاسخگویی به نیازهای غریزی، تولید نسل و... را نام برد. اهمیت این نهاد از نظر اسلام آنقدر بالاست که خداوند در قرآن کریم از زاویه‌های گوناگون به جنبه‌های مختلف آن پرداخته و حتی جزئیات و ریز مسائل را در برخی موارد بیان فرموده است. در بحث خانواده روابط موجود در آن به دو دسته کلی روابط درونی و بیرونی تقسیم می‌شود که هر کدام شاخصه‌های خاص خود را داشته و در هر دو مورد، رهنمودهای سازنده‌ای در قرآن بیان شده است. از جمله شاخصه‌های روابط بیرونی در خانواده متعالی می‌توان به

^۱ دکتری کلام و فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

مسئولیت پذیری، صله رحم و ارتباط با دیگران اشاره نمود که در هر سه زمینه سفارش‌های مربوطه در قرآن و روایات و نیز سیره معصومین (ع) بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، خانواده متعالی، خانواده در قرآن، شاخصه‌های روابط اجتماعی در خانواده

مفهوم شناسی

خانواده متعالی

الف) خانواده: در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل به کار رفته است. معادل این واژه در زبان عربی «أسرة» است که ابن منظور در این مورد بیان می‌دارد که: «خانواده به معنای مکان و محل محفوظ و امن است، همچون حصار و سپری که افراد خود را به واسطه آن از خطرات حفظ می‌نمایند.» به عبارتی وجه تسمیه خانواده به اسره همین است که اعضای آن در این حصار احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

همچنین واژه «اهل» و «آل» که در قرآن نیز بکار برده شده است؛ به معنای خانواده می‌باشد. آیات زیادی از قرآن به این مضمون پرداخته است. از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»

ب) خانواده متعالی: خانواده متعالی (خانواده قرآنی) منظور آن خانواده‌ای است که خود را با معیارها و شاخصه‌هایی که خداوند حکیم در قرآن مجید بیان فرموده است؛ زینت بخشیده‌اند. به عبارت دیگر همچنان که واژه تعالی در قرآن فقط برای خداوند بیان شده است، خانواده در قرآن نیز با صفت تعالی منسوب به خداوند می‌شود، یعنی اجتماعی کوچک که شاخصه‌های تعالی را که خداوند بیان فرموده است، در خود متجلی نموده است.

اهداف تشکیل خانواده از دیدگاه قرآن

۱- طبیعت اجتماعی: با توجه به اینکه انسان اصالتاً موجودی اجتماعی است نخستین و مهم‌ترین بستر فعلیت یافتن این ویژگی در انسان، کانون مقدس خانواده است.

بی‌گمان خانواده با پیمان ازدواج و پیوند مقدس زن و مرد پایه‌گذاری می‌شود یعنی با ازدواج ستون اصلی و حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی شکل می‌گیرد، نهادی که خاستگاه آن در ذات انسان است. از این رو زن و مرد در همان آغاز ازدواج و تشکیل زندگی مشترک در آن محیط کوچک، آرام می‌گیرند.

از جمله اهداف مهم تشکیل خانواده، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در کنار یکدیگر است، (سالاری‌فر، ص ۲۶) همانگونه که خداوند منان در آیات متعددی به این واقعیت اشاره می‌نماید و خانواده را

جایگاه آسایش و آرامش معرفی می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (روم/۲۱)

۲- سنت آفرینش: قرآن کریم زوجیت را قانونی فراگیر در میان همه جانداران بیان می‌کند، حتی گیاهان از این قانون استثناء نیستند. «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعرا/۷)

دستگاه بزرگ آفرینش برای رسیدن به هدف و کمال مطلوب خود و حفظ نوع بشر و موجودات، به همکاری و تعاون دو جنس مذکر و مؤنث نیازمند است؛ از این رو خداوند موجودات را به صورت نر و ماده آفریده است. بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده پاسخ مثبت به این قانون الهی و حرکت در راستای نظام آفرینش است.

۳- پاسخ به ندای فطرت: بی‌گمان غریزه جنسی غریزه‌ای نیرومند و ریشه‌دار است که براساس نظام حکیمانه الهی در نهاد بشر قرار گرفته است. به طور طبیعی هر دختر و پسری که به حد بلوغ و رشد رسیده باشد، یک کشش باطنی به جنس مخالف در خود احساس می‌کنند که این کشش و جاذبه نهان و ناپیدا با گذشت زمان و بارور شدن توان جوانی به تدریج به صورت خواسته ضروری ازدواج، تنها راهی است که می‌تواند پاسخ مناسبی به خواسته‌های جنسی زن و مرد داده و آرامش را برایشان به ارمغان داشته باشد. (سویزی، ص ۲۱)

از این رو قرآن کریم افزون بر تشویق مردم به تشکیل خانواده، کسانی که این مسأله را ترک می‌کنند توبیخ کرده می‌فرماید: «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» (شعرا/۱۶۶) از این آیه و مانند آن برمی‌آید که زن و مرد برای یکدیگر خلق شده‌اند، از این رو گرایشی باطنی در عمق فطرتشان نسبت به یکدیگر دارند. بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده ریشه در فطرت انسان دارد.

۴- تکامل: بی‌گمان انسان موجودی تکامل طلب است و از سویی نحوه تکامل او به گونه‌ای است که دو جنس زن و مرد مکمل و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش معنوی یکدیگرند تا آنجا که هر یک بدون دیگری ناقص است؛ یعنی جنس مذکر و مؤنث از نظر روحی و جسمی به یکدیگر نیازمند هستند.

خدای متعال در این باره تعبیر زیبایی را بیان می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷) یعنی همانگونه که لباس انسان را از سرما و گرما حفظ کرده، زشتی‌ها و عیوب او را می‌پوشاند و زینتی برای تن آدمی است، دو همسر نیز در زندگی زناشویی باید مایهٔ زینت و مکمل یکدیگر باشند. (قرائتی، ص ۱۷) این تعبیر زیبای قرآن، نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها به یکدیگر و همچنین برابری آنها را در این موارد به خوبی آشکار می‌سازد.

۵- نیازی بدیهی: تشکیل خانواده از جمله اموری است که در همه جوامع از جمله بدیهیات است و سیره عملی همه مردم با هر دین و آیینی است؛ زیرا اساس ازدواج، میل و نیاز طبیعی، روحی و زیستی مرد و زن نسبت به یکدیگر است و در بیان ضرورت آن به آیه و حدیثی نیاز نیست و اگر با این نیاز طبیعی تکوینی مقابله شود، نتیجه‌ای جز فساد و تباهی خود و جامعه ندارد. بنابراین خداوند متعال برای بقا و کثرت نسل بشر (شوری/۱۱) و دستیابی بشریت به فواید ارزشمند تشکیل خانواده و بهره‌مندی از آن همگان را به این امر مقدس ترغیب و تشویق نموده است، تا در کنار خوشبختی دنیا، سعادت‌مندی در آخرت را نیز برای خویش به ارمغان آورند.

تعالی خانواده

در موضوع تعالی خانواده، باید زمینه برای رشد روحی و فکری و اخلاقی زن و مرد فراهم شود و هر دو «آگاهانه و مسئولانه» فرزندان را بر مدار تربیت الهی و خوی انسانی «آموزش و پرورش» دهند... خانواده مه‌د تعالی انسان است.» (خانواده کارآمد و متعالی، ص ۴۵ و ۴۷) تعالی خانواده زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که والدین به طور مداوم نسبت به اعتقاد و کردار خود و فرزندان‌شان توجه داشته باشند. با توجه به اینکه خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای اعضای آن

به‌ویژه زن و شوهر و فرزندان می‌باشد، از این رو به مدیران خانواده سفارش می‌کند تا در این راستا بکوشند و خود و خانواده را از هرگونه آفت و زیان دنیایی و آخرتی بر حذر دارند. همانگونه که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارا وقودها الناس و الحجاره» (تحریم/۶)

به عبارتی روابط افراد خانواده را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف- روابطی که در محیط خانوادگی و بین اعضاء برقرار است که به آن روابط درونی خانواده گویند.

ب- تعاملاتی که بین اعضای خانواده و محیط اجتماع برقرار است و به آن روابط اجتماعی گفته می‌شود.

هر یک از این روابط در یک خانواده متعالی، شاخصه‌هایی دارند که در این نوشتار به شاخصه‌های دسته دوم یعنی روابط اجتماعی با توجه به بیانات قرآن کریم پرداخته می‌شود که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

احساس مسئولیت در خانواده متعالی

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. وقتی می‌گوییم مسئولیت چیزی با کسی است، یعنی به عهده او، در ضمان و پایبندی او است. بنابراین

هرگاه انسان متعهد به انجام کاری می‌شود در حقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است. (لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۴۶۵)

با آغاز زندگی مشترک وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده هر یک از زن و مرد قرار می‌گیرد و تنها با انجام این وظایف، خانواده پا بر جا می‌ماند. در یک خانواده متعالی یکی از مهم‌ترین شرایط سعادت خانواده وجود روحیه مسئولیت‌پذیری در زن و شوهر می‌باشد؛ زیرا می‌دانند اگر هر یک به درستی وظایف شرعی و قانونی خود را به جا آورند، آنگاه زندگی آنها در مسیر مطلوب قرار گرفته و رونق می‌یابد و می‌توانند خوشبختی واقعی را تجربه کنند. نظام خانواده متعالی، نظامی است که در آن، اعضای خانواده، علاوه بر اینکه حدود وظایف خود را به خوبی می‌شناسند، در بهتر انجام دادن آن وظایف نیز نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند و به این ترتیب، اطمینان و آرامش و امید، در محیط خانواده به وجود می‌آید و در نتیجه از این طریق ریشه هرگونه اختلاف و نزاع از بین رفته و شرایط ایده آل قرآنی برای تعالی و رشد در خانواده حاکم می‌شود.

در جامعه نیز انجام درست مسئولیت‌ها توسط افراد پرورش یافته در چنین خانواده‌ای به آن جامعه سامان می‌بخشد. در نتیجه برای رسیدن به این هدف در ابتدای امر باید جایگاه افراد مشخص شود؛ زیرا مسئولیت زمانی معنا پیدا می‌کند که وظیفه و جایگاه هر فرد تعیین شده باشد. به عبارت

دیگر همانطور که هیچ فردی نباید بدون وظیفه باشد، همانگونه هم نباید همه وظایف به عهده یک نفر باشد بلکه باید تقسیم مسئولیت‌ها به طور عادلانه و متناسب با توان افراد در نظر گرفته شود و تنها در این صورت خواهد بود که هر کاری به نحو شایسته انجام شده و طبیعتاً وظایف هم به‌گونه بهتری انجام خواهد شد. علاوه بر اینکه اگر تقسیم مسئولیت‌ها به درستی صورت نگیرد آنگاه این احتمال وجود دارد که در انجام وظایف تداخل به وجود آید که این امر منجر به آشفتگی در خانواده و اجتماع خواهد شد.

با توجه به این امر باید گفت یکی از مهمترین امور در مسؤولیت پذیری، سپردن عمل، متناسب با توان و روحیات افراد می‌باشد؛ قرآن کریم این مسأله را به طور نمادین در سوره یوسف این چنین بیان می‌کند: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» (یوسف/۵۵) در تفسیر المیزان در این باره آمده است: «بعد از آنکه شاه فرمان مکانت و امانت یوسف را بطور مطلق صادر کرد، یوسف از او درخواست نمود که امور مالی کشور و خزانه‌های زمین را که مراد از آن همان سرزمین مصر بوده باشد به وی محول نماید و اگر این درخواست را کرد به این منظور بود که امور مالی کشور و ارزاق را به مباشرت خود اداره کند و ارزاق را جمع آوری نموده برای سال‌های بعد که قهراً سالهای قحطی خواهد بود و مردم دچار گرانی و گرسنگی خواهند شد ذخیره نماید و از حیف و میل جلوگیری نماید و خود درخواست خویش

را چنین تعلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم، زیرا این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقامی که وی درخواستش را کرده بود لازم دارد و بدون آن دو نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند.» (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۰)

به عبارت دیگر پذیرفتن یا واگذاری مسئولیت به دیگران نیاز به مقدماتی دارد که بدون آنها نمی‌توان مسئولیتی را پذیرفت یا به دیگران واگذار نمود و بدون شک تقویت حس مسئولیت‌پذیری و آموزش مقدمات آن به نحو احسن ابتدا در محیط خانواده امکان‌پذیر خواهد بود. در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است مانند انفال/۲، احزاب/۷۲، قصص/۲۶ و...

شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری

معمولا افراد مسئولیت‌پذیر اعتماد به نفس بالایی داشته و به خودباوری رسیده‌اند، در فعالیت‌های مختلف اجتماعی شرکت می‌کنند، وظایف و مسئولیت‌هایی را که به آنها محول می‌شود به‌خوبی انجام می‌دهند، در شکست‌های خود دیگران را مقصر نمی‌دانند، در کمک به دیگران پیش قدم هستند، انعطاف‌پذیر بوده و سازش آنان با دیگران در سطح بالایی بوده و نظم و ترتیب در زندگی آنها کاملا مشهود است. کارشناسان امور خانواده معتقدند تمرین مسئولیت‌پذیری، مهم‌ترین عامل دوام و پایداری ازدواج‌ها

است زیرا در بسیاری از موارد از ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده است، علت آن عدم مسئولیت‌پذیری زن یا شوهر اعلام شده است. تمرین مسئولیت‌پذیری در خانواده‌های متعالی به این صورت است که فرزندان را از کودکی با مشکلات خانواده آشنا می‌کنند و آنها را تک بعدی تربیت نمی‌کنند که متکی به خانواده باشند و خود توانایی انجام کاری را نداشته باشند.

یکی دیگر از ویژگی‌های افراد مسئولیت‌پذیر این است که این اشخاص به علت پاسخگو بودن در قبال کاری که انجام می‌دهند قابل اعتمادترند و جلب اعتماد دیگران نیز یکی از زمینه‌های مهم پیشرفت در خانواده و اجتماع می‌باشد. این ویژگی در هر حرفه یا شغلی بر میزان اعتبار اجتماعی شخص و میزان علاقه و اعتماد دیگران به او نیز می‌افزاید. همچنین احساس ارزشمند بودن و عزت نفس از نتایج دیگر آن است. (حسینی راد، ۱۳۹۳)

مسئولیت در برابر خانواده و دیگران

در خانواده متعالی همه افراد نسبت به یکدیگر و به خصوص فرزندان نسبت به والدین احساس مسئولیت و احترام می‌کنند همچنانکه در قرآن و تعالیم اسلامی تاکید زیادی به آن شده است، زیرا رشد و پیشرفت هر خانواده و جامعه‌ای در گرو انسان‌های مسئولیت‌پذیر است. مسئولیت‌پذیری

همچنین باعث آرامش روانی و امنیتی جامعه گردیده و مانع از هم گسیختگی، تفرقه و اختلاف در اجتماع خواهد گردید. اگر هر فردی صرفاً نفع شخصی خویش را در نظر بگیرد و فقط به دنبال خواسته‌های خود باشد و به محدودیت‌های موجود توجه نکند، مشکلات بسیاری برای خود و دیگران به وجود خواهد آورد. همچنین مسئولیت فرد نسبت به دیگران در خانواده متعالی شامل موارد بسیاری می‌شود که از جمله آنها می‌توان به امور زیر اشاره نمود: کمک به ضعیفان، رعایت حقوق اجتماعی هم‌نوعان، شرکت در امور فرهنگی و اجتماعی سطح جامعه مانند شرکت در نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق، جهاد و...

پیامبر اکرم در مورد اهمیت مسئولیت پذیری نسبت به امور مسلمین می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (الأصول من الكافی، ج ۲، ص ۱۶۳)

صله رحم

از آغاز آفرینش، تمام انسان‌ها، زندگی اجتماعی خویش را در کانون خانواده و خویشاوندان، آغاز نموده و خود پایه‌گذار این واحد اجتماعی بوده‌اند. به این ترتیب تقریباً هر انسانی در مسیر زندگی در کنار تجربه عضویت خانواده و خویشاوندان وظیفه تشکیل خانواده و جمع خویشاوندی را نیز به‌عهده داشته است، تا از این طریق زمینه پیدایش واحدهای بزرگ‌تر

فراهم آید. اغلب انسان‌ها، تمایل دارند که پیوندهای فامیلی خود را هرچه محکمتر نمایند و زمینه پیوندهای جدید و شکل‌گیری فامیل تازه‌ای را فراهم نمایند! این ارتباط را در ساحات مختلف می‌توان بررسی کرد و یکی از آن ساحات‌ها که در آموزه‌های دینی سفارش مؤکد به آن شده و حتی در حد وجوب آن سخن گفته شده، صله رحم است: «الذین ینقضون عهدالله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به آن یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون» (بقره/۲۷۹) با مراجعه به تفاسیر دانسته می‌شود که یکی از مصادیق «ما امر الله به آن یوصل» مسأله صله رحم می‌باشد. (تفسیرمجمع البیان، ج ۱، ذیل آیه ۲۷ بقره، ص ۱۷۰)

در یکی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی آمده است: «خویشاوندی و خانواده... دو واقعیت مکمل یکدیگرند که هر کدام باید به اعتبار دیگری درک شود. دستگاه خویشاوندی با نسب و دستگاه وصلت یا سبب در تمام جوامع وجود دارند و بلید به نحوی با هم توافق داشته باشند. اینها دو نوع منطق سازمانی هستند و هر دو به هم وابسته‌اند و رابطه آنها با یکدیگر یکی از بنیادهای اصلی دستگاه اجتماعی کلی هر جامعه است.» (هانری مندراس و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه‌شناسی، ۲۲۸) در قرآن نیز حفظ پیوندهای خویشاوندی یکی از وظایف و برنامه‌های صاحبان خرد (اولوا الالباب) تلقی گردیده (رعد/ ۲۱) و در آیات مختلفی تارکان این امر مهم را مستحق لعنت و نفرین الهی می‌داند. از منظر تفکر دینی نقش صله رحم به گونه‌ای است که انجام آن سبب سامان‌دهی و ایجاد سلامت و عافیت و

در طریق صحیح قرار گرفتن تمام امور می‌شود که همه این موارد نشان از اهمیت والای صله رحم دارد.

مفهوم رحم و صله رحم

درباره معنای لغوی صله رحم گفته شده است: «رحم در اصل همان رحم زن است و استعاره برای نزدیکان و خویشاوندان به کار می‌رود به این جهت که آنها از یک رحم شکل گرفته‌اند.» (مفردات راغب، ص ۹۱) و در اصطلاح نیز «رحم عبارت از آن جهت وحدتی است که به خاطر تولد از یک پدر و مادر و یا یکی از آن دو در بین اشخاص برقرار می‌شود و در حقیقت باعث اتصال و وحدتی است که در ماده و وجودشان نهفته است.» (تفسیر المیزان، ج ۲، ذیل آیه ۱ سوره نساء) همچنین «رحم، هر خویشاوندی را گویند که عرفاً مردم او را از ارحام و اقوام خود بدانند.» (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۹) در نتیجه می‌توان گفت منظور از «رحم» اقوام و خویشاوندان می‌باشد. پس «صله رحم عبارت است از شریک ساختن رحم و خویشاوندان در مال و مقام و دیگر خیرات دنیا که آدمی به آنها دست می‌یابد.» (نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۶۰) صله رحم می‌تواند در شکل‌های گوناگون نمود پیدا کند. گاهی اوقات در حد یک سلام کردن و احوال‌پرسی است، چنانچه امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «صلوا ارحامکم ولو بالتسلیم» (اصول کافی، ج ۲، مترجم باب صله رحم، ص ۱۵۸) و گاهی به صورت ملاقات‌های حضوری،

کمک مادی و معنوی در موقعیت‌های خاص و در نهایت تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم با اقوام به گونه‌ای که احساس شود پیوند خویشاوندی همواره بین آنها برقرار است.

جایگاه صله رحم در قرآن

«تعالیم اسلام با تأکید بر روابط خویشاوندی به دنبال حمایت از خانواده و کمک به تعالی و حل مشکلات آن است. با تقویت روابط خویشاوندی، در مراتب متعدد آن، می‌توان در جهت حل مشکل خانواده یا دست‌کم کاهش آن گام‌های جدی برداشت». (درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، ۱۸۱)

روابط اجتماعی مناسب با دیگران به ویژه با اعضای خانواده، باعث تشویق فرد به برقراری ارتباط با دیگران و دوری از خودمحوری می‌شود و این امر به سازگاری شخصی و اجتماعی مطلوب خواهد انجامید که در خانواده متعالی زمینه چنین پیوندها و پیشرفت‌هایی همواره توسط والدین و سایر اعضا شکل می‌گیرد. در نهایت افرادی که در چنین فضای قرآنی، تعالی یافته و با دیگران ارتباط خویشاوندی برقرار کرده‌اند از طریق ارتباطات با اقوام به خوبی می‌توانند با ایجاد فضای صمیمی و گرم بین خود و احترام متقابل به یکدیگر، الگو و سرمشق مناسبی برای کودکان، نوجوانان و جوانان خانواده گسترده خویش باشند زیرا بخش مهمی از آنچه شخص یاد می‌گیرد از طریق تقلید و الگوگیری از دیگران است.

روش‌های رسیدگی به خویشاوندان در خانواده متعالی

در یک خانواده متعالی راه‌های زیادی برای رسیدگی به ارحام وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- **کمک جانی:** رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ» هر کس با جان و مالش، صله رحم کند، خدای متعال اجر صد شهید به او می‌دهد. (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۷)

۲- **کمک مالی:** در یک خانواده متعالی اگر در مواردی میان بستگان، افراد نیازمند وجود دارد، رسیدگی مالی به ایشان لازم و از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. همواره باید در نظر داشت که برای هر نوع کمکی ابتدا باید به خویشان و اقارب توجه نمود. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ قَرَابَتَهُ» کسی که از سوی خدا ثروتی به دست آورد، باید بستگان خویش را به وسیله آن دستگیری کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲، ص ۱۸۴)

۳- **کمک فکری:** اعضای خانواده متعالی آموخته‌اند که برای هر کار مهمی باید مشورت نمود اما دامنه این همفکری فقط محدود به اعضای خانواده نمی‌شود بلکه آنها می‌دانند اگر در بین ارحام نیز شخصی نیاز به همفکری و مشورت داشته باشد باید در حد توان به او یاری رساند و به این ترتیب فرهنگ مشورت و همفکری را در میان خویشاوندان نهادینه نمود. رسیدگی فکری در جایی است که یکی از بستگان

انسان برای یک انتخاب درست و انجام بهترین عمل نیاز به راهنمایی دارد. در این حالت شخص باید تا جایی که می‌تواند به فرد مورد نظر کمک فکری نماید و او را در انجام عمل شایسته یاری رساند که این امر، خود از مصادیق امر به معروف محسوب می‌شود. قرآن کریم به منظور بهتر شدن کارها دستور به مشورت و همکاری با یکدیگر می‌دهد و می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شَوْرًا بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸) یا در جای دیگری می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/۲) آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و اخلاقی و حقوقی و سیاسی را در برمی‌گیرد، طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و نادرست و ظلم و ستم و تعدی مطلقاً ممنوع است هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۲)

۴- کمک عاطفی: از مهم‌ترین مبانی تربیتی در خانواده متعالی آن است که فرد در این خانواده می‌آموزد صله رحم تنها به کمک مالی یا بذل جان محدود نمی‌شود بلکه اگر انجام این امور از عهده شخص خارج باشد وی می‌تواند از راه‌های دیگری ارتباط با خویشان را ادامه دهد و رضایت خدای تعالی را نیز به دست آورد. مثلاً وی می‌تواند با توجه به امکانات و پیشرفت‌های امروزی با تلفن زدن، نامه فرستادن، ارسال پیام و... همچنان ارتباط خویشاوندی را محکم و پابرجا نگه دارد. گاهی نیز شرکت در غم و شادی خویشان از موارد صله رحم است، شرکت در مراسم تشییع جنازه و

مجالس ترحیم و دل‌جویی از بازماندگان آنان و نیز شرکت در مجالس جشن و سرور ایشان، کمک عاطفی به آنان محسوب می‌شود و در تقویت و تحکیم رابطه خویشاوندی نقش مؤثری دارد. (جوادی آملی، *مفاتیح الحیاء*، ص ۲۱۵ و کتابچی، *آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع)*، ص ۲۳۷)

۵- **ترک آزار:** بهترین شیوه صله رحم، ترک اذیت و آزار ارحام است. به عبارت دیگر پرهیز از غیبت، تهمت، زخم زبان و بدگویی، دخالت نکردن در زندگی آنها به عناوین مختلف، عیب‌جویی نکردن از آنان و ... از برترین موارد صله رحم است. (*مفاتیح الحیاء*، ص ۲۱۵) این لازمه رشد معنوی انسان و دستیابی او به یک زندگی سالم و پاکیزه است که قرآن کریم از آن به حیات طیبه یاد کرده است» (حیدری، *دینداری و رضامندی خانوادگی*، ص ۱۰۶)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «أَفْضَلُ مَا تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا» بهترین شیوه صله رحم، خودداری از آزار آنها می‌باشد. «(وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۱)

دوستی با دیگران در خانواده متعالی

یکی از ویژگی‌های طبیعت انسان، اجتماعی بودن اوست. از این نظر هر چند آدمی از نظر احتیاجات شخصی بی‌نیاز از دیگران بوده و امکانات رفاهی کاملی را در اختیار داشته باشد باز هم همواره علاقمند است که زندگی خود را در کنار خانواده، مردم و جامعه ادامه دهد. این ویژگی اختصاص به فرد یا

گروه خاصی از انسان‌ها ندارد بلکه یک خصلت طبیعی و عام تمام افراد بشر می‌باشد، انسان همواره خود را نیازمند برقراری ارتباط با دیگران می‌داند به طوری که بدون ارتباط قادر به ادامه حیات نخواهد بود هر چند که از نظر امکانات مادی و رفاهی در سطح بالایی قرار داشته باشد. از این رو افراد خانواده متعالی با درک این مهم، همواره دایره دوستی و مودت خود را از محیط خانواده به سطح جامعه گسترش می‌دهند و دیگران را نیز به این دوستی‌های پاک تشویق می‌نمایند و در کنار آن از انجام خدمت خالصانه نسبت به دیگران دریغ نمی‌کنند. از آنجا که بسیاری از موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌ها در جوامع و بکارگیری این دوستی در قالب خدمت و کمک به آنان، معلول وجود دوستان شایسته و یا ناشایستی است که فرد برای خود برمی‌گزیند، لذا دقت در انتخاب دوست و همنشین برای تعالی خانواده و بکارگیری خدمت به آنان در راه درست، اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا نفس انسان اثرپذیر است و از افکار و اعمال همنشین خود تأثیر می‌پذیرد، به همین دلیل افراد خانواده متعالی دوستانی برمی‌گزینند که با ارزش‌های اسلامی و قرآنی هماهنگی کامل دارند و همواره باعث تعالی و پیشرفت خود و همنشینان می‌شوند.

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» (شعر/۱۰۰) چنین بیان کرده‌اند که دوستان خوب می‌توانند شافعان یکدیگر

در روز قیامت باشند. (تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۹۳) بنابراین دوستی، رابطه‌ای است برتر از معاشرت ساده و معمولی.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الاصدقاء نفس واحده فی جسم متفرقه» دوستان، یک روح‌اند در جسم‌های گوناگون. (غررالحکم، ص ۱۲۳، ح ۹۵۱۴) افراد خانواده متعالی در دوستی و معاشرت بسیار دقت دارند تا با افراد ناشایست همنشینی نکنند. علاوه بر این نسبت به اوضاع و احوال دوستان و اطرافیان حتی همسایگان خود نیز بی‌تفاوت نیستند و تا جایی که امکان دارد از خدمت به آنان مضایقه نمی‌کنند.

جایگاه همنشین و تاثیر آن از دیدگاه قرآن

قرآن کریم در زمینه نقش مثبت و منفی دوست در سرنوشت انسان از قول انسان‌های ستمکار در روز قیامت به هنگام روبرو شدن با آثار و نتایج اعمالشان می‌فرماید: «ویوم یعض الظالم علی یدیهِ یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً یا ویلتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً» و روزی خواهد آمد که ستم‌کار، دستان خود را گزد و گوید: ای کاش راه رسول را در پیش گرفته بودم! وای بر من، کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. (فرقان/۲۸)

به‌طور کلی نشانه‌هایی که در راستای معرفی همنشین خوب بیان می‌شود با گرایش‌های فکری و معتقدات مورد قبول افراد و خط مشی و

سلیقه آنان در زندگی کاملاً هم‌آهنگی و سنخیت دارد. در خانواده متعالی نیز شخصی شایسته دوستی دانسته می‌شود که رنگ و بوی معنوی داشته باشد و رابطه دوستی براساس ارزش‌های دینی، عقلانی، ضابطه‌مند و ماندگار طرح‌ریزی شده باشد و نه براساس هواهای نفسانی و امور فریبنده ظاهری و زودگذر، چرا که همنشین در زندگی انسان بسیار تاثیرپذیر است. ممکن است زندگی انسان را به تعالی یا تباهی بکشانند. چنانچه در تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها می‌توان تغییر در رویه و سبک زندگی را به علت همنشینی با افرادی خاص مشاهده نمود. «اسلام نیز به این نیاز طبیعی و ارزش دوست، توجه داشته و انسان را در یافتن دوست و نگهداری آن تشویق می‌کند.» (اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۴۱۳) بنابراین ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن و با محیط اجتماع استوار است، اعضای این کانون با رعایت حقوق متقابل و گسترش دایره آن از خواهر و برادر گرفته تا همسایه و دوست و همکار به کمال انسانی مورد نظر دست خواهند یافت. زیرا انسانیت وقتی در عرصه معنویت استقرار می‌یابد که انسان‌ها با هم باشند و بتوانند به درستی (آن گونه که خداوند مقرر فرموده است) با هم زندگی کنند. تعامل و همزیستی انسان‌هاست که همه مقوله‌های مطرح و قابل فهم در عرصه حیات و زندگی او را معنا می‌بخشد. خوبی و بدی، خوشبختی یا بدبختی، آرامش و تلخ‌کامی، فقط در تعامل و روابط انسان‌ها با یکدیگر معنا می‌یابد. از طرفی زمانی

انسان‌ها می‌توانند در شرایط سخت به یاری یکدیگر بشتابند و بیشتر از وظیفه عرفی خویش عمل نمایند که علاوه بر روابط عادی، محبت و دوستی خالصانه‌ای نیز بین آنها برقرار باشد؛ چرا که افراد تربیت یافته در مکتب اسلام و براساس اصول خانواده متعالی آموخته‌اند که در شرایط دشوار که دیگران نیازمند یاری هستند به کمک دیگران بشتابند و بدون هیچ توقعی گرفتاری‌های آنان را برطرف سازند. فرد متعالی هدایت و سعادت را تنها برای خانواده خود نمی‌خواهد بلکه تا جایی که برایش مقدور باشد و حتی با ایثار و از خود گذشتگی خواهان سعادت و تعالی همگان است. لذا در این راستا وقتی همسایه، دوست، فامیل و حتی رهگذر نیازی به کمک داشته باشد، با تمام وجود با الگوگیری از فرهنگ قرآن و اهل بیت به یاری آنان می‌شتابد.

نتیجه

در زندگی هر انسانی، خانواده بهترین جایگاه برای کسب آرامش و اطمینان و امنیت خاطر می‌باشد و به دنبال آن امنیت، سربلندی و پیشرفت اجتماع محقق خواهد شد. به همین دلیل سازگاری خانواده با معیارهایی که از جانب خداوند متعال و در قرآن کریم بیان شده است، اهمیت دو چندانی دارد، چرا که آفریننده انسان‌ها بیش از هر شخص دیگری به زوایای پنهان وجودی او آگاه است. لذا برای محقق شدن آرمان‌های الهی در زندگی

خانوادگی و به‌خصوص در جنبه‌های اجتماعی روابط خانواده ضروری است تا افرادی که با رهنمودهای الهی و قرآنی آشنایی کافی دارند، برای آگاهی بخشی به دیگران تمام تلاش خود را به کار گیرند و افراد مسئول نیز با ایجاد امکانات لازم، زمینه بهره‌مندی طیف بیشتری از اقشار مختلف را فراهم نمایند. هر چند ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین مرحله در این فرآیند، فراهم نمودن زمینه‌های انس بیشتر خانواده‌ها با مضامین بلند قرآنی می‌باشد که خود نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری است.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، لبنان، ۱۴۰۵ ق
۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، مصطفی درایی، ضریح آفتاب، مشهد، اول، ۱۳۸۱
۳. جوادی آملی، عبدالله، *مفاتیح الحیاء*، نشر اسراء، قم، چاپ ۱۶۶، ۱۳۹۳
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱
۵. حسینی راد، سیده فاطمه، *مقاله روانشناسی مسئولیت پذیری*، ماهنامه مهیار، سال چهارم، ش ۶، شهریور ۹۳
۶. حیدری، مجتبی، *دینداری و رضامندی خانوادگی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، سوم، ۱۳۸۷
۷. دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، آدینه سبز، تهران، دوم، ۱۳۸۶
۸. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات*، تهران، مکتبه رضویه، بی تا
۱۰. سالاری فر، محمد رضا، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، مرکز نشر هاجر، قم، اول، ۱۳۸۵
۱۱. سویزی، مهری، *خانواده کارآمد و متعالی*، کتاب نیستان، تهران، دوم، ۱۳۸۷
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۶ ق
۱۳. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۰۸ ق

۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، بی تا
۱۵. قرائتی، محسن، دقایقی با قرآن، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، هفتم، ۱۳۹۰
۱۶. کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا(ع)، نشر الف، مشهد، سوم، ۱۳۸۵
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، دار صعب- دار التعارف، بیروت، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۱ق
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳هـ
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم، دوم، ۱۳۷۱
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، قم، دوم، ۱۳۶۲
۲۱. مندراس، هانری، ژرژ گورویچ، مبانی جامعه‌شناسی، امیرکبیر، تهران، پنجم، ۱۳۶۹
۲۲. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، مکتبه‌الداوری، قم، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۳ق

